



## حکمرانی خوب و گفتمان حاکم بر قوه مجریه در ایران

ناصر عنایت<sup>۱</sup>

مسعود مطلبی<sup>۲</sup>

### چکیده

«حکمرانی خوب» یکی از شاخصه های مورد استفاده در دوران توسعه اقتصادی است. شاخصی که از سوی بانک جهانی ارائه شده و در سال های اخیر مورد توجه بسیاری از تحلیل گران اقتصادی و حتی اقتصاد سیاسی در ایران قرار گرفته است. شاخصه ای که دارای ۶ مولفه برای سنجش است از جمله: حاکمیت قانون، ثبات سیاسی، کنترل فساد، کارایی اثربخشی دولتی، حق اظهار نظر و پاسخگویی و کیفیت قوانین و مقررات. اما دولت های مختلف این مولفه ها را متأثر از گفتمان حاکم بر خود، به دنبال تحقق و اجرایی کردن آن هستند. لذا سنجش حکمرانی خوب به عنوان یک مولفه مهم در سنجش عملکرد دولت ها که در سال های اخیر در ایران هم مورد توجه قرار گرفته، درک گفتمان درون دولتی دولت هاست. در این پژوهش به دنبال بررسی گفتمان دو دولت احمدی نژاد و روحانی و تاثیر این گفتمان ها بر حکمرانی خوب بر قوه مجریه در ایران هستیم.

واژگان کلیدی: حکمرانی، قوه مجریه، حکمرانی خوب

۱- دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی naserenayat@yahoo.com

۲- استادیار گروه علوم سیاسی، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر، ایران mmtph2006@yahoo.com

#### چهارچوب نظری

از دیدگاه لاکلا و موف گفتمان جهان اجتماعی را در قالب معنا می سازد. این ساختن از طریق زبان که ماهیتی بی ثبات دارد انجام می شود. زبان، هم در ایجاد واقعیت و هم در بازنمایی آن نقش اساسی دارد. دسترسی به واقعیت، تنها از طریق زبان ممکن است و هیچ واقعیت پیشینی و از قبل تعیین شده ای وجود ندارد. تغییر در گفتمانها سبب تغییر در کل نظام اجتماعی می شود. از این روی، نزاع گفتمانی به ایجاد، تغییر و باز تولید واقعیت اجتماعی منجر می شود. با این همه، به نظر می رسد ارتباط گفتمان با واقعیت، ارتباطی دیالکتیک باشد؛ چراکه الزامات و اقتضائات تاریخی، اجتماعی و فرهنگی نیز می توانند نوع خاصی از گفتمان را مطالبه و آن را حاکم کنند. بنابر این، گفتمانها بنابر مطالبات و الزامات اجتماعی و سیاسی جامعه و نیز کاستی هایی که گفتمان حاکم به آن دچار شده اند، نظام معنایی خود را بازساخته و آن را به عنوان نظامی کار آمد و توانمند در برون رفت از مشکلات جامعه ارائه می دهند.

به اعتقاد لاکلا مفاهیم در درون گفتمان های متضاد بار معنایی می یابند و نه در درون یک زبان عام و مشترک. از این رو، هر عمل با پدیده ای برای معنادار شدن باید گفتمانی شود و در چارچوب گفتمان خاصی قرار گیرد. لاکلا و موف، تمایز گفتمانی و غیر گفتمانی را که در نظریه فوکو و بسیاری از اندیشوران دیگر وجود دارد، مردود می شمارد و بر گفتمانی بودن تمام حوزه های اجتماعی تأکید می کند. بنابر این، تحلیل گفتمانی لاکلا با مجموعه وسیعی از داده های زبانی و غیر زبانی به مثابه متن برخورد می کند. در نتیجه می توان در یک تعریف مختار، گفتمان را چنین تعریف کرد: «گفتمان امکان مفصل بندی و چینش ذهنی حول یک نشانه و دال و تشکیل نظام معنایی و تثبیت و همونیک کردن آن با ایجاد یک اجماع و اقناع عرفی موقت است (مقدمی، ۱۳۹۰، ۹۳)

نظریه این دو اندیشمند سیاسی از قابلیت فوق العاده در تبیین پدیده های سیاسی و اجتماعی برخوردار است. این قابلیت، در سایه به کار گیری مفاهیمی چون «مفصل بندی به دست آمده است، مفصل بندی، کنشی است که میان عناصر مختلف مانند مفاهیم، نمادها، رفتارها و ...، چنان رابطه ای ایجاد می کند که هویت اولیه آنها دگرگون شده، هویتی جدید بیابند. از این رو هویت یک گفتمان، در اثر رابطه ای که از طریق عمل مفصل بندی میان عناصر گوناگون به وجود می آید، شکل می گیرد (تاجیک، ۱۳۸۳، ۴۷). نظریه لاکلا و موفه در زمینه گفتمان را می توان کاربردی ترین نظریات این حوزه دانست. و آنچه تحلیل گفتمانی لاکلا و موفه را از

سایر نظریه های گفتمانی متمایز می کند، تسری گفتمان از حوزه فرهنگ و فلسفه به جامعه و سیاست است» (حسینی زاده، ۱۳۸۳، ۱۹۹). از نظر آنها گفتمان صرفاً به معنای گزاره های زبانی نیست. به عنوان مثال در گفتمان لیبرال دموکراسی، صندوق های رأی، رقابت های حزبی، رسانه ها، کرسی های تدریس دانشگاهی و ... همه پدیده هایی گفتمانی هستند.

گفتمان همچون هر نظریه و رهیافتی دیگر در بردارنده ی برخی مفاهیم مهم و حیاتی است که تنها با درک آنان می توان به درک کلیت مفهوم و نظریه ی گفتمان نایل آمد. معنای برخی از این مفاهیم این گونه است (حقیقت، ۱۳۸۵: ۵۱۵):

مفصل بندی: عملی که میان عناصر پراکنده در یک گفتمان ارتباط برقرار می کند و به آن ها هویتی جدید می دهد.

ضدیت: یک گفتمان خود را با دیگری تعریف می کند، به این امر منطق تفاوت می گویند؛ بنابراین ایجاد این رابطه ی ضدیت باعث می شود تا دیگری به وجود آید. وجود این دیگری برای روشن شدن و تثبیت مرزهای سیاسی لازم است.

هژمونی: مفهومی از گرامشی که وارد اندیشه ی مارکسیستی شد. این نوع از رفتار بر پایه ی قدرت شکل می گیرد و دال های شناور را بر اساس جدیدی تثبیت می کند.

دال مرکزی: هسته ی مرکزی منظومه ی گفتمانی را دال مرکزی تشکیل می دهد، به عبارت دیگر مفاهیمی که در درون یک گفتمان سازمان دهی می شوند، گرد یک دال مرکزی ایجاد می شوند. عناصر: دال ها و نشانه هایی هستند که هنوز در درون یک گفتمان تثبیت نشده اند؛ بنابراین هنر گفتمان های رقیب در جذب این عناصر است.

وقته: برخلاف مفهوم عناصر این مفاهیم در درون یک گفتمان به هویت و معنایی موقت دست یافته اند.

دال شناور: نشانه هایی که گفتمان های مختلف تلاش می کنند تا به آن ها معنا ببخشند و ابهام را از میان بردارند. این نشان می دهد که این مفاهیم هنوز در نظام گفتمانی تثبیت نشده اند.

قابلیت دسترسی و اعتبار: مفهوم قابلیت دسترسی برای بیان میزان موفقیت یک گفتمان به کار می رود. «به اعتقاد بابی سعید، امکان پیروزی یک گفتمان به علت ویژگی های ذاتی آن نیست، بلکه صرفاً به این دلیل است که گفتمان تنها ساخت منسجم در دنیای کاملاً آشفته به نظر می رسد.» منظور از اعتبار نیز تأکید بر این نکته است که اصول اساسی یک گفتمان با اصول اساسی یک گروه اجتماعی ناسازگار نباشد.

### حکمرانی خوب و گفتمان حاکم بر قوه مجریه در ایران/عنايت - مطلبی

همان‌طور که گفته شد، نظریه‌ی گفتمان لاکلا و موفه به منطق قدرت اهمیت اساسی می‌دهد. در نظریه‌ای که آنان تبیین و طرح‌ریزی کردند، مفهوم سیاست از اهمیت اساسی برخوردار است؛ از این‌روست که نظریه‌ی آنان در قیاس با بسیاری از نظریه‌های جدید، مدرن و پسامدرن بیشتر مورد توجه محققان سیاسی قرار گرفت. در نظریه‌ی گفتمان لاکلا و موفه سخن از اولویت سیاست مطرح است، اما منظور از اولویت سیاست چیست؟ «این مفهوم به معنای آن است که شیوه‌ی تفکر، بنای جامعه و عمل اجتماعی، محصول مفصل‌بندی‌های هژمونیک سیاسی است. نظام رابطه‌های اجتماعی نیز برآمده از گفتمان‌ها و پدیده‌ای سیاسی است، به این معنا که بر اعمال قدرت و خصومت و طرد غیر استوار است؛ بنابراین، گفتمان‌هایی که جامعه را می‌سازند و به فهم ما از جهان نظم می‌بخشند در ذات خود سازه‌هایی سیاسی‌اند (حسینی زاده، ۱۳۸۹، ۹۶)

در برداشتی کلی، گفتمان از دید لاکلا و موفه عبارت است از تمامیتی ساخت‌مند شده که برآیند تعامل مفصل‌وار نشانه‌هاست (Laclau & Mouffe, ۲۰۰۱:۱۰۵). به عبارتی گفتمان مجموعه‌ای از نشانه‌های زبانی و غیر زبانی به هم مفصل‌بندی شده است که نظامی معنادار را می‌آفرینند و هویت سوژه‌ها و ابژه‌ها را شکل می‌دهند (حسینی زاده، ۱۳۸۶: ۲۰). لاکلا و موفه در بحث چرایی تحول گفتمان‌ها از دو عامل مهم‌تر یاد می‌کنند که عبارتند از «طرد و برجسته‌سازی» و «دسترسی»، منظور از طرد و برجسته‌سازی، مکانیسمی است که بر اساس آن نقاط قوت رقیب، طرد شده و نقاط ضعف آن برجسته می‌شود. به عبارت دیگر «آنها» طرد شده و «ما» برجسته می‌شود، دسترسی نیز عبارت از وجود گفتمان در عرصه اجتماعی و قابلیت دسترسی مردم به آن است

حکمرانی خوب و تعریف مولفه‌ها

دولت‌ها در بسیاری از کشورهای جهان همواره به دنبال طراحی و اجرای برنامه‌ها و سیاست‌هایی هستند که از طریق آن بتوانند کشور و مردم خود را به پیشرفت و توسعه هرچه بیشتر برسانند و سعادت و رفاه را برای آنان به ارمغان بیاورند. بنابراین، تاکنون استراتژی‌های اقتصادی مختلفی برای نیل به این هدف از سوی حکومت‌های کشورهای مختلف به کار گرفته شده است، در این میان یکی از ایده‌هایی که در سال ۱۹۸۰ مطرح و با استقبال خوبی مواجه شده، ایده «حکمرانی خوب» بوده است که ضمن تأکید بر عامل اقتصادی، نقش مدیران، نهادها و مقررات دولتی در

امر توسعه را مدنظر قرار می دهد. در واقع حکمرانی خوب روندی است که طی آن قدرت در مدیریت منابع اجتماعی و اقتصادی یک کشور برای توسعه تجربه میشود. حکمرانی خوب در آغاز هزاره جدید برای پاسخ دادن به نیازهای جدید جهانی پایه عرصه گذاشته است، نیازهایی که ناشی از عواملی مانند رشد یافتگی جوامع، توسعه نیروی انسانی، توسعه سیاسی جوامع و بویژه رشد مردم سالاری و نقش جدید دولت و روابط جدید دولت-ملت است.

در سالیان اخیر، حکمرانی تبدیل به موضوعی داغ در مدیریت بخش دولتی و عمومی شده است و این مسئله به واسطه نقش مهمی است که حکمرانی در تعیین سلامت اجتماع ایفا می کند. اصطلاح حکمروانی خوب بطور گسترده ای در ادبیات توسعه رواج پیدا کرده و حکمرانی بد به عنوان یکی از علل اساسی ناکامی جوامع امروزی در دستیابی به توسعه معرفی شده است.

برخی معتقدند الگوی حکمرانی خوب، تلاشی از سوی بانک مرکزی با هدف سوق کشورها به ساختاری دنیای سرمایه داری بالاخص در کشورهای جهان سوم بوده است. یکی از راهکارهای ارائه شده برای برطرف کردن این خلأ قدرت در کشورهای جهان سوم، تلاش برای کارآمدسازی نهاد دولت در این کشورها بود. آدریان لفت و بیچ، یکی از دلایل اشاعه سریع این ایده در سطح مباحث مرتبط با توسعه را فروپاشی نظام کمونیستی می داند؛ به این معنا که با فروپاشی نظام کمونیستی، غرب بدون هیچ واژه ای از اینکه کشورهای جهان سوم به جبهه کمونیسم پیوندند، اقدام به اعمال یک سری از سیاست های تجویزی در کشورهای یادشده کرد که ملزم کردن حکومت های کشورهای جهان سوم به دموکراتیک کردن سازوکار حاکمیتی شان، یکی از این سیاست ها بود (لفت و بیچ، ۱۹۹۴، ۳۶۹). از همین زمان بود که حاکمیت در بستر نقشی که می تواند در راستای ایجاد توسعه ایفا کند، بازتعریف شد. بانک جهانی در گزارشی با عنوان «حاکمیت و توسعه» که در سال ۱۹۹۲ منتشر کرد، حکمرانی خوب را مترادف با مدیریت عاقلانه جریان توسعه، به کار برده است (بانک جهانی، ۱۹۹۲، ۱)

هم اکنون بانک جهانی نیز با ارزیابی شرایط زندگی در درون کشورها از جنبه کیفی به موضوع حکمرانی خوب می نگرد، در گزارشی که از بانک جهانی درباره وضعیت حکمرانی کشورها در فاصله سالهای ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۶ به دست آمده است، شش شاخص مورد ارزیابی قرار گرفته که عبارتند از: «حق اظهار نظر و پاسخگویی، کیفیت مقررات، اثربخشی دولتی، ثبات سیاسی، حاکمیت قانون و کنترل فساد.» از نظر بانک جهانی حکمرانی بد با عناوین شخصی نمودن

### حکمرانی خوب و گفتمان حاکم بر قوه مجریه در ایران/عنايت - مطلبی

قدرت، فقدان حقوق بشر، فساد نهادینه شده، دولت های غیر پاسخگو و غیر منتخب مترادف است و طبیعتاً حکمرانی خوب بر عکس موارد ذکر شده خواهد بود. برنامه توسعه سازمان ملل متحد، حکمرانی خوب را این گونه تعریف نموده است: «حکمرانی خوب کوششی است در جهت حاکمیت قانون، شفافیت، مسئولیت پذیری، مشارکت، برابری، کارایی، اثربخشی، پاسخگویی و دیدگاه استراتژیک در اعمال اقتدار سیاسی، اقتصادی و اداری» (دباغ، ۱۳۸۸، ۳-۵) برای آنکه مفهوم و ابعاد حکمرانی خوب بهتر روشن شود، مناسب است شاخص های آن را مرور کنیم. البته این شاخص ها در متون مختلف، هم به لحاظ تعداد و هم به لحاظ نام، متفاوت ذکر شده است. ما در اینجا می کوشیم به حاصل نتیجه آنها اشاره کنیم:

#### ۱-۶- پاسخ گویی و حق اظهار نظر<sup>۱</sup>

یکی از مهم ترین شاخص ها به آزادی بیان و مشارکت سیاسی برمی گردد. مقصود از این شاخص میزان مشارکتی است که شهروندان می توانند در انتخاب دولت و نظام سیاسی داشته باشند. این شاخص بیانگر میزان آزادی بیان، آزادی احزاب و تشکل ها و اجتماعات، و آزادی رسانه های جمعی است. هر چه مردم در یک جامعه نقش بیشتری در تعیین زمامداران و هیئت حاکمه داشته باشند، حضور و نقش احزاب و تشکل ها و انجمن ها و نظایر آنها در جامعه بیشتر باشد، و رسانه های جمعی و افراد مختلف نتوانند آزادانه فعالیت و نظرات خود را بیان کنند، نشان دهنده وضعیت بهتری از حکمرانی خوب در شاخص پاسخگویی و حق اظهار نظر است. (نادری، ۱۳۹۰، ۷۵)

#### ۲-۶- حاکمیت قانون<sup>۲</sup>

اینکه تا چه میزان قوانین در یک جامعه واقعی اند و میتوان به اجرای آنها اطمینان داشت با این شاخص ارزیابی میشود. در این شاخص به ویژه اجرای قراردادهای، احتمال وقوع جرم های خشونت آمیز و غیرخشونت آمیز، اثربخشی و قابلیت پیش بینی عملکرد محاکم قضایی، در یک جامعه مدنظر است. (kaufmann et al, 2002, 19) تعریف سازمان ملل از حاکمیت قانون به اصول حاکمیت اشاره دارد که در آن همه افراد و نهادهای خصوصی و دولتی در برابر قوانین پاسخگو هستند. قوانینی که به طور عمومی منتشر شده اند، به طور مساوی اجرا می شوند، به طور مستقل حکم می شوند و ضمناً سازگار با حقوق بشر بین المللی هستند. بر اساس تعریف

<sup>1</sup> Voice and accountability

<sup>2</sup> Rule of Law

بانک جهانی حاکمیت قانون به دنبال محدود کردن قدرت دولت و محافظت از حقوق شهروندان در مقابل سوء استفاده با استفاده خودسرانه دولت از قدرتش است. (طالبی و همکاران، ۱۳۹۶، ۱۴)

حاکمیت قانون علاوه بر آنکه از مولفه های حکمرانی خوب محسوب می شود، از اصول برجسته دموکراسی در یک کشور نیز محسوب می گردد. همچنین اهمیت قوانین یک کشور و به خصوص قانون اساسی یک کشور تا جایی است که ملاک سنجش کشورها از جهات مختلف، قوانین یک کشور است. قانون اساسی به عنوان ایینه تمام نمای رعایت برابری، عدالت حقوق بشری، احترام به ارزشهای انسانی و نهایتاً تامین ازادیهها و برابری شهروندان دارای اهمیت ویژه می باشد. از سوی دیگر حاکمیت قانون مفهومی نسبی است و هیچ کشوری نمی تواند مدعی اجرای کامل قانون باشد. اینکه تا چه میزان قوانین در یک جامعه واقعی اند و می توان به اجرای آنها اطمینان داشت با این شاخص ارزیابی می شود.

#### ۳-۶ - کیفیت قوانین و مقررات<sup>۱</sup>

این شاخص به طور ویژه بر تاثیر قوانین بر بازار و بر سیاست های ناسازگار با بازار دقت و تمرکز دارد. سیاست هایی از قبیل کنترل قیمت ها، عدم نظارت کافی بر سیستم بانکی و همچنین هزینه وضع قوانین برای محدودیت بیش از اندازه بر تبادلات تجارت خارجی. کیفیت و کمیت قوانین و مقررات تا حدی در تولید و تکثیر فساد اداری مؤثر است. (مرادی و همکاران، ۱۳۹۶، ۱۵۷)

کیفیت قوانین و مقررات مواردی چون نکات زیر را در بر می گیرد: تنظیم قوانین اختلال زا در بازار مانند کنترل قیمت ها، ایجاد موانع غیر اصولی و دست و پاگیر در صادرات و واردات، محدودیت های زاید در بازار سهام، محدودیت های تأسیس یک بنگاه اقتصادی جدید، مقررات دست و پاگیر برای تبدیل ارز و موارد مشابه. (سامتی و همکاران، ۱۳۹۰، ۱۹۵) مواردی که در سیاست های قانون گذاری ایران بسیار دیده می شود و بخشی از آن هم متاثر از نهادها و سازمان های غیر دولتی است.

کیفیت قوانین و مقررات بسترساز رشد اقتصادی خواهد بود زیرا کشوری دارای کیفیت قوانین و مقررات بالاتر است که متکی به روح علم محوری و منطبق بر واقعیات جهت رفع موانع در تمامی فعالیت های اقتصادی خواهد بود، عادلانه و فراگیر بودن قوانین نمایانگر کیفیت تنظیم

---

<sup>1</sup> Regulatory Quality

### حکمرانی خوب و گفتمان حاکم بر قوه مجریه در ایران/عناایت - مطلبی

کنندگی است که از اصول اساسی حکمرانی خوب محسوب می شود این شاخص با تنظیم عوامل اختلال را در بازار در ارتباط است، هرچه کیفیت قوانین و مقررات در یک کشور بالاتر باشد، آن کشور می تواند توسعه اقتصادی برتری داشته باشد. (شاه آبادی و مهروی تلیابی، ۱۳۹۵، ۱۲)

#### ۴-۶ - کارایی اثربخشی دولتی<sup>۱</sup>

در سومین شاخص سنجش میزان تحقق الگوی حکمرانی خوب، مفاهیمی چون سیاستگذاری به نفع کسب و کار، کارایی نهادهای دولتی، کیفیت کارکنان دولت، استقلال استخدام و خدمات کشوری از فشارهای سیاسی و غیره را دربر می گیرد. ضمن آنکه در این شاخص مقولات ذهنی همچون کیفیت، تهیه و تدارک خدمات عمومی با کیفیت نظام اداری صلاحیت و شایستگی کارگزاران و استقلال خدمات همگانی از فشارهای سیاسی هم در نظر گرفته می شود. (world bank, 2012)

لازمه اثر بخشی دولت، وجود دستگاه اداری کارآمد است. دستگاه اداری کارآمد باید از قدرت و مهارت لازم برای اداره امور کشور برخوردار باشد از بروز تغییرات چشمگیر در سیاست ها پیشگیری کند، از فشارهای سیاسی تاثیر نپذیرد و مکانیسم های شفاف برای جذب نیرو های جدید داشته باشد (شفیع زاده، ۱۳۱: ۵۳۷) برای داشتن دولت کارآمد، دولت باید نقش خود را با توانمندی هایش متناسب و هماهنگ کند.

آن چه را که دولت انجام می دهد باید نشان دهنده توانایی های بخش دولتی و خصوصی باشد. دولت ها با تزریق خون جدید در نهادهایشان، توانمند های خود را بهبود می بخشند. این امر نه تنها نیازمند ایجاد ظرفیت اجرایی یافتن است، بلکه مستلزم نهادینه ساختن قوانین و هنجار هایی است که به مقامات دولتی انگیزه می دهد تا طبق منافع جمعی عمل کند و در عین حال فساد و فعالیت خود سرانه را محدود می سازد.

این شاخص سیاستگذاری به نفع کسب و کار، کارایی نهادهای دولتی، کیفیت کارکنان دولت، استقلال استخدام و خدمات کشوری از فشارهای سیاسی و غیره را دربر می گیرد. (world bank, 2012)

#### ۵-۶ - ثبات سیاسی<sup>۲</sup>

<sup>1</sup> Government Effectiveness

<sup>2</sup> Political Stability (No Violence)



شاخص ثبات سیاسی به چگونگی گردش قدرت در کشور، کنترل امنیت، مبارزه با تروریسم و عدم استفاده از خشونت علیه مخالفان سیاسی می پردازد. ثبات سیاسی و فقدان خشونت بیانگر احتمال سرنگونی یک حکومت و نظام سیاسی از طرق غیرقانونی یا ابزارهای خشونت آمیز است. عمده بحث این شاخص مربوط به تروریسم و خشونت است. (طالبی و همکاران، ۱۳۹۶)

ثبات سیاسی و فقدان خشونت بیانگر احتمال سرنگونی یک حکومت و نظام سیاسی از طرق غیرقانونی یا ابزارهای خشونت آمیز است. عمده بحث این شاخص مربوط به تروریسم و خشونت است. بر اساس این شاخص، هرچه احتمال نبودن ثبات سیاسی در یک کشور بیشتر باشد نشان دهنده حکمرانی ضعیف است و هرچه کشوری از ثبات سیاسی بیشتری برخوردار باشد، در زمینه حکمرانی خوب امتیاز بالاتری را کسب میکند (hart & Ernst, 2007). این شاخص به بررسی مولفه هایی از جمله ثبات سیاسی به چگونگی گردش قدرت در کشور، کنترل امنیت، مبارزه با تروریسم و عدم استفاده از خشونت علیه مخالفان سیاسی می پردازد.

۶-۶- کنترل فساد<sup>۱</sup>

آنچه در این شاخص مدنظر قرار می گیرد این است که قدرت عمومی و دولتی تا چه حد مورد سوء استفاده قرار گرفته است. و در این شاخص، هم فسادهای جزئی و کوچک و هم فسادهای بزرگ و کلان را شامل می شود. براساس این شاخص هرچه نظام سیاسی و دولت در تسخیر نخبگان و در خدمت منافع خصوصی باشد، نشان حکمرانی ضعیف و عکس آن بیانگر حکمرانی قوی را تشریح می کند.

به مفهوم جلوگیری از استفاده از قدرت و امکانات عمومی در جهت منافع شخصی است. این شاخص مفهوم هایی مانند فساد در میان مقامات رسمی، اثربخشی تدبیرهای ضد فساد، تأثیر آن بر جذب سرمایه های خارجی، پرداخت اضافی یا رشوه برای گرفتن مجوزهای اقتصادی و مانند آنها را اندازه گیری می کند سازمان ملل معتقد است حکمرانی خوب تضمین کننده کاهش فساد، احترام به نظر اقلیت ها و اقشار آسیب پذیر در انجام تصمیم گیری است و حکمرانی خوب در قبال نیازهای کنونی و آینده ی جامعه مسئول است (مرادی و همکاران، ۱۳۹۶، ۱۵۸)

رویکردهای مختلف به حکمرانی خوب

---

<sup>1</sup> Control of Corruption

### حکمرانی خوب و گفتمان حاکم بر قوه مجریه در ایران/عنايت - مطلبی

مفهوم حکمرانی خوب، غالباً این واقعیت را که این مفهوم دست کم شامل سه دیدگاه متفاوت در مورد توسعه است، پنهان می کند. این رویکردها عبارت اند از: تکنوکراتیک، فقرزدایی و سیاسی. (Leftwich, 1993, 609-611)

اولین و غالب ترین رویکرد، رویکرد مدیریتی با تکنوکراتیک است. عناصر اصلی آن عبارتند از کارآیی، قدرت، و حساب پس دهی دولت. تقویت یک محیط اقتصادی مناسب، شفافیت، حاکمیت قانون، و فساد ستیزی، مهم ترین ساز و کارهای دست یابی به اهداف این رویکرد هستند. بر این اساس، نهادهای عمومی و مراجع رسمی باید کنترل شده و مسئول عملکرد خود باشند.

رویکرد دوم، فقر زدایی را به مثابه هدف اصلی، و حکمرانی خوب را به منزله ابزاری برای دستیابی به آن مد نظر قرار می دهد. در نتیجه، بر نقش نهادهای عمومی موثر در مواجهه با فقر و فقر، و اهمیت مشارکت فقرا در سیاستگذاری این نهادها تأکید می کند. با این حال، این رویکرد اجتماعی اقتصادی در محدوده یک موقعیت خاص از یک سازمان دولتی کوچک و سیاست های نئولیبرال آن باقی مانده، و از گزینه های دیگر نظیر اصلاحات ارضی، اعطای یارانه، یا ساماندهی مناطق آسیب پذیر صرف نظر می کند.

حدوداً از اواخر قرن بیستم و اوایل قرن بیست و یکم، مفهوم توانمندسازی برای کاهش فقر، در مقابل مفهوم حمایت مستقیم (اعم از مشروط و غیرمشروط) از فقرا مطرح شد و به عنوان یکی از محورهای سیاست های فقرزدایی توسط بانک جهانی اتخاذ و در بسیاری از کشورهایی که با مسئله فقر گسترده دست و پنجه نرم می کنند گسترش پیدا کرد. در تعریف مفهوم توانمندسازی، می توان گفت، توانمندسازی به معنای بسط و گسترش آزادی انتخاب افراد و اقدام برای شکل دادن زندگی افراد است. این مفهوم به معنای کنترل بر منابع و تصمیمات است. به بیان نارایان، «به توسعه و بسط دارایی ها و توانایی های فقرا برای مشارکت، گفتگو و چانه زنی، تأثیر، کنترل و مسئولیت پذیر و پاسخگو کردن موسسات و نهادهایی که بر زندگی آنان تأثیر می گذارند، توانمندسازی گفته می شود» (ناریان و همکاران، ۱۳۹۵)

سومین رویکرد، رویکرد سیاسی است. حکمرانی خوب گاهی برای اشاره به مقوله های حکمرانی از زاویه حقوق بشر و دموکراسی مورد استفاده قرار می گیرد. از این دیدگاه، حکمرانی خوب ترکیبی است از جداسازی و تفکیک قوا، یک سیستم قضائی مستقل، رسانه آزاد و مستقل، انتخابات آزاد، و نظام سیاسی چند حزبی. نقش جامعه مدنی هم به واسطه مشارکت و

هم به مثابه نیروی محرکه توسعه متوازن و برابری، از اهمیت چشم گیری برخوردار است. در این رویکرد، توسعه در بر گیرنده فراگردهای اقتصادی، اجتماعی اقتصادی و سیاسی است که به طور همزمان روی می دهند. با این حال، معمولاً تنها به حقوق اساسی انسانی و سیاسی اشاره می شود، و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی انسانها نادیده گرفته می شود. ضمن اینکه در برخی از موارد، عناصر رویکردهای سه گانه (تکنوکراتیک، فقر زدایی، و رویکردهای سیاسی) با یکدیگر ترکیب شده، و یک دیدگاه سیستمی گسترده تر را که مشتمل بر روابط سیاسی و اقتصادی و قدرت است، تشکیل می دهند. بر اساس این رویکرد گسترده، حکمرانی مقوله ای پیش از ساختارهای نهاد رسمی و قدرت دولت است. البته در هریک از این رویکردها، بازارهای آزاد و آزادی حداکثری عمل کنندگان بازار، مقدمات کارند. در واقع حتی از دیدگاهی جامع و سیستمی نیز حکمرانی خوب، به معنای یک رژیم سرمایه داری مردم سالار، تحت کنترل دولتی کوچک است. همین امر موجب می شود که این رویکرد، به ویژه از دیدگاه های چپ گرا مورد انتقاد قرار گیرد.

شاخص های حکمرانی خوب می توان به ویژگی های مشترکی از جمله وجود و تقویت ساختارهای دموکراتیک؛ توسعه ی مشارکت جویانه؛ شفافیت، پاسخگویی و توجه به درخواست های مردم؛ وضع خط مشی های مناسب اقتصادی برای تسهیل توسعه و احترام به حقوق انسان ها و حاکمیت قانون اشاره کرد. موضوع حکمرانی خوب باهدف دستیابی به توسعه ی انسانی پایدار مطرح شده است و در آن بر کاهش فقر، ایجاد شغل و رفاه پایدار، محافظت از محیط زیست و احیای دوباره ی آن، و رشد و توسعه ی زنان تأکید می شود. همچنین حکمرانی خوب به مفاهیمی مانند توسعه ی پایدار، توسعه ی روستایی و شهری و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی با رویکرد مشارکتی و شفافیت توجه می کند و بر اتخاذ استراتژی های درست برای اجرای خط مشی ها و سیاست ها تأکید می نماید. یک حکومت توانمند با نهادهای دولتی شایسته و شفاف، پیوندی مستقیم با رشد درآمدها و افزایش دستاوردهای اجتماعی دارد.

میزان تأکید بر ابعاد گوناگون حکمرانی سالم در موقعیت های گوناگون متفاوت است؛ زیرا جوامع برای اهداف گوناگون ارزش های متفاوتی قایل اند؛ بعضی از جوامع، هدف اول خود را رشد اقتصادی می دانند و بعضی دیگر به تنوع و غنای فرهنگی ارزش می دهند؛ برای مثال فرهنگ های سودجوی غربی، اهمیت بیشتری به کارآیی می دهند، حال آن که در مقابل آن ها بعضی از فرهنگ ها بر حقوق اراد، تعهدات گروهی و ارزش های دیگر تأکید می ورزند. همچنین مفهوم حکمرانی خوب مبتنی بر اصول لیبرال و برخاسته از جوامع توسعه یافته است و دوا

### حکمرانی خوب و گفتمان حاکم بر قوه مجریه در ایران/عنايت - مطلبی

بیانگر گرایش سیاسی یا ایدیولوژیکی خاصی است که کاربست آن در جوامع در حال توسعه بدون توجه به ساختارهای اجتماعی، ارزش‌ها و فرهنگ بومی و سازگار نکردن آن با محیط بومی، ممکن یا مطلوب نخواهد بود. افزون بر این، این انتقاد مطرح است که بانک جهانی، در مقام اعطاکنده چندجانبه و هماهنگ‌کننده کمک‌ها، ممکن است متأثر از ویژه‌گی‌های سیاسی اعضای قدرت‌مند خود، بر جهت‌گیری یا رفتار سیاسی دریافت‌کننده‌گان کمک تأثیر گذارد و ایدیولوژی‌ها و مقاصد سیاسی خاصی را بر کشورهای در حال توسعه تحمیل کند. بعضی از پژوهش‌گران نیز بر این باورند وجود نوعی شکاف بین دولت و ملت در بعضی از جوامع در حال توسعه که از وضعیت تاریخی، اجتماعی و فرهنگی این کشورها ریشه می‌گیرد، مانع عمده‌یی برای تحقق حکمرانی خوب است.

دولت احمدی نژاد و گفتمان حاکم بر آن

ناصر گفتمان عدالت در دولت احمدی نژاد اما عدالت از راه خدمت به توده مردم یا بندگان خدا: گفتمان احمدی نژاد چهار دال دارد که بر حول دال مرکزی ولایت مفصل بندی شده‌اند. وی، آنها را این گونه بر می‌شمارد: «از ناحیه این برادر کوچک شما چهار محور به عنوان اصول کاری این دولت مطرح شد: عدالت گستری، مهرورزی، خدمت به بندگان خدا و پیشرفت و تعالی همه جانبه کشور» (احمدی نژاد، ۱۳۸۶)

روی سخن احمدی نژاد نه با طبقه نخبگان، مدیران و یا تشکل‌های سیاسی و فعال جامعه مدنی بلکه با توده مردم است و حتی در برنامه ریزی‌های اجرایی دولت نیز بیش از آنکه دغدغه سرمایه و سرمایه‌گذاری وجود داشته باشد، دغدغه عموم مردم دیده میشود. چنین رویکردی موجب شد تا دولت در روند خصوصی سازی به جای واگذاری شرکتهای دولتی به فرد یا افراد، آنها را به صورتهای مختلف بین عامه مردم توزیع کند. توسل به راهکارهایی چون توزیع سهام عدالت با واگذاری کارخانجات به اقشار محروم و دهکهای پایین درآمدی نمودهایی از این تغییر رویکرد هستند. این کار مبتنی بر این فرض بود که علاوه بر کوچکتر شدن دولت با توزیع سرمایه‌های دولت در میان طبقات کم درآمد، شکاف

طبقاتی موجود به شکل در خور توجهی تقلیل می‌یافت. از این رو دو هدف خصوصی سازی و باز توزیع سرمایه به صورت همزمان صورت می‌گرفت. عدالت باز توزیعی به نفع فرودستان: در اندیشه احمدی نژاد و سنت فکری حامی وی می‌توان عدالت توزیعی ارسطویی را ردیابی کرد. وی بر این باور است که: «عدالت یعنی شرایطی فراهم بشود که هر کس در هر زمینه‌ای

استعداد دارد بتواند آن را فعال بکند نه برای عده ای خاص، البته عدالت در توزیع مناسب و درست ثروتها و بودجه های کشور هم هست» (احمدی نژاد، ۱۳۸۶: ۳۸)

مسکن مهر: دولت نهم دخالت در حوزه مسکن را در دستور کار خود قرار داد و طرح مسکن مهر را تدوین نمود. این طرح گروههای هدف خود را در میان دهکهای درآمدی ۱ تا ۵ تعریف نمود که نشانگر حمایت دولت از طبقات کم درآمد و فرودست در بخش مسکن بود. چنین حمایتی در مقیاس مکانی یعنی شهری و روستایی بودن نیز مشاهده می گردد، چنانکه در جدول پایین ملاحظه می شود در صد بهرمندی جمعیت روستانشین از مسکن مهر تقریباً چهار برابر بیشتر از جمعیت شهر نشین است (حاتمی و کلاته، ۱۳۹۳: ۱۴).

مفهوم بازنمایی شده از عدالت در این گفتمان به معنای توزیع فرصتها و امکانات به طور مساوی به همه افراد و مناطق کشور با محوریت افراد و مناطق فرودست بود، به گونه ای که همه جای کشور باهم و هماهنگ پیشرفت کنند. این گفتمان مدلولهای عدالت را در سیاستهایی چون ایجاد مسکن ارزان قیمت برای افراد بدون مسکن مسکن مهر، بهره مندی افراد کشور از سود حاصل از تولیدات داخلی (سهام عدالت، تغییر الگوی پرداخت یارانه ها به سمت افراد نیازمند هدفمندی یارانه ها)، دسترسی دولت برای تمامی نواحی به ویژه نواحی دورافتاده سفرهای استانی، ادغام شوراهای عالی به منظور کاستن از بوروکراسی زاید اداری، انحلال سازمان مدیریت و برنامه ریزی با توجیه انطباق بیشتر برنامه ها با نیازهای استانی و تغییر شیوه بودجه نویسی و تخصیص بودجه بافت، عدالت این دوره تلفیقی از رویکردهای پوپولیستی و نئو کلاسیک بود. وجه نئوکلاسیک را می توان در نوع اجرای طرح هدفمندی یارانه ها و آزادسازی قیمتها و وجه پوپولیستی را در پرداخت یارانه های نقدی یافت. (رحیمی و کتابی، ۱۳۹۳: ۵۱ و ۳۷)

#### دولت روحانی و گفتمان حاکم بر آن

ین گفتمان بر تعریف نئولیبرالی خصوصاً با رویکرد نهادگرایانه و تئوکینزی از عدالت استوار است. به این معنی که کار دولت را به اجرای پروژه ها و یا تقسیم اعتبارات و یا خصوصی سازی بلکه آماده ساختن و بهبود بخشیدن محیط کسب و کار و تقویت ساختار رقابتی برای رونق تولید در بخش صنعت و کشاورزی و خدمات می داند. این گفتمان همچون دو دولت سازندگی و اصلاحات، گفتمانی مبتنی بر دولتی توسعه گراست که توسعه را در چارچوب مکتب نوسازی تعریف کرده است و بر همین مینا سعی دارد توسعه اقتصادی را با بهبود روابط با دنیای خارج خصوصاً دنیای غرب میسر سازد. بنابراین تعامل با کشورهای توسعه یافته که دال خالی گفتمان

### حکمرانی خوب و گفتمان حاکم بر قوه مجریه در ایران/عنايت - مطلبی

دولت قبلی محسوب می شد در مفصل بندی این گفتمان به دال اصلی تبدیل شده است. لذا دولت روحانی، رشد و توسعه اقتصادی و گشایش در آن را منوط به حل مهمترین مشکل سیاست خارجی یعنی پرونده هسته ای و رفع تحریمها نمود(زایرکعبه و همکاران، ۱۳۹۹، ۱۴۳) براساس معنا و مفهوم اعتدال، دال مرکبی اعتدال را می توان، تعادل و توازن تعیین و تعریف کرد که عناصر و دقایق آن نیز حول آن معنا و مفصل بندی می شوند. در چهار چوب سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تعادل و توازن را می توان بر حسب توازن و تعادل بین آرمان گرایی و واقع گرایی، تعادل و توازن بین اهداف سیاست خارجی، تعادل و توازن بین مصالح اسلامی و منافع ملی، تعادل و توازن بین اهداف و ابزار سیاست خارجی توازن و تعادل بین عناصر قدرت ملی، تعادل و توازن بین اعمال قدرت و دیپلماسی، تعادل و توازن بین حق و تکلیف، تعادل بین سه اصل عزت، حکمت و مصلحت، توازن و تعادل در ساختار سیاست خارجی، توازن و تعادل در توسعه روابط خارجی تلخیص و تبیین کرد.

اساس و چارچوب گفتمان اعتدال گرایی بر تعامل و همکاری با کشورهای منطقه و جهان استوار می باشد. در یک تعریف مختصر از تعامل سازنده می توان آن را چنین بیان کرد که :

اتخاذ سیاستی فعال، پویا، تاثیر گذار، جهت دار با شناخت دقیق از معادلات سیاسی به عنوان بازیگری قدرتمند در صحنه روابط بین الملل و منطقه و خروج از جایگاه متهم و استقرار در جایگاه مدعی و آن مرحله ای پیشرفته تر از سیاست تنش زدایی میباشد. این سیاست در سطوح مختلف جهانی، جهان در حال توسعه، جهان اسلام، منطقه خاورمیانه، همسایگان و ملی قابل طرح و اعمال می باشد». (محمدی، ۱۳۸۶: ۸۱) چرخه گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بیانگر این واقعیت است که در دوره گفتمان اعتدال، دولت روحانی در صدد برآمد براساس نظام معنایی خود، یعنی توجه همزمان به مصالح نظام اسلامی و منافع ملی کشور ایران، به رویکردی تعامل گونه با نظام بین الملل توجه نماید تا از این طریق فشارهای دنیای غرب را از ایران بردارد. به باور روحانی توسعه اقتصادی و منزلت سیاسی جز با | تعامل سازنده با نظام بین الملل بدست نمی آید. وضعیتی که بر پایه منافع مشترک و احترام متقابل و قبول هنجارهای بین الملل قابل حصول است.(بلوکی و همکاران، ۱۳۹۷: ۴۴)

وعده تحول اقتصادی در فرصت کوتاه، استراتژی دیگر گفتمان روحانی برای برجسته کردن و افزایش مقبولیت این گفتمان در افکار عمومی بوده است. دولت یازدهم و دوازدهم سیاست خارجی خود را اقتصاد محور با هدف کمک به توسعه و رفاه ملی از طریق تعامل سازنده و موثر

در روابط بین الملل عنوان کرد. وضعیت آشفته و هرج و مرج اقتصادی دوره قبل از انتخابات ناشی از اتخاذ سیاست نادرست احمدی نژاد، شرایط بدی در ایران را به وجود آورد. در این راستا گفتمان رقیب برای هژمونیک کردن گفتمان خود معضلات اجتماعی نشأت گرفته از اقتصاد را مورد توجه قرار داد. به اعتقاد روحانی، دیپلماسی اقتصادی مستلزم تعامل آمیز و نرمش پذیر با جهان است (ذوالفقاری و دینی وند، ۱۳۹۷: ۸۳)

تطبیق رویکردهای حکمرانی خوب بر دولت های احمدی نژاد و روحانی با بررسی گفتمان های دو دولت های احمدی نژاد و روحانی میتوان نتیجه گرفت به صورت کلی گفتمان دولت احمدی نژاد بر رویکرد فقرزدایی یعنی دومین رویکرد به حکمرانی خوب، و دولت روحانی بر رویکرد نخست از حکم رانی خوب یعنی تکنوکراتیک استوار است.

همانگونه که پیش تر گفته شد در رویکرد دوم، فقر زدایی به مثابه هدف اصلی است و حکمرانی خوب را به منزله ابزاری برای دستیابی به آن مد نظر قرار می دهد. در نتیجه، بر نقش نهادهای عمومی موثر در مواجهه با فقر و فقر، و اهمیت مشارکت فقرا در سیاستگذاری این نهادها تأکید می کند. در این رویکرد که بر گفتمان دولت احمدی نژاد منطبق است، مصداق های کنشگری زیادی را به دنبال داشته است. احمدی نژاد با انجام وعده های آغازین انقلاب به پیروزی دست یافته، وی خود را مدافع مستضعفین و همچنین اصول گرا و آبادگرا نامید و افزایش حقوق و دستمزدها به ویژه برای آموزگاران و کارمندان دولت، کاهش فقر، مقابله با بیکاری و کمبود مسکن، دادن وام به زوج های جوان عدالت برای توده ها به ویژه جبهه رفتگان و از همه قاطعانه تر از میان بردن فساد که از نظر بسیاری بدنه سازمان سیاسی کشور را در معرض خطر قرار داده بود، اوعده داد. وی مدعی شد که سرمایه داران جدید و همچنین بازماندگان «هزار فامیل» توده های مردم را غارت کرده اند. (آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۳۲۷ و ۳۳۶)

در آن سو دولت روحانی بر رویکرد تکنوکراتیک استوار و منطبق است. دولت روحانی با داشتن نگرش و گفتمانی از اعتدال، توسعه اقتصادی و سیاسی بدور از ایدئولوژی محوری بر این رویکرد نزدیکتر است. تقویت یک محیط اقتصادی مناسب، شفافیت، حاکمیت قانون، و فساد ستیزی، مهم ترین ساز و کارهای دست یابی به اهداف این رویکرد هستند. بر این اساس، نهادهای عمومی و مراجع رسمی باید کنترل شده و مسئول عملکرد خود باشند.

نتیجه گیری

در پایان به بررسی تاثیر گفتمان های هر ۲ دولت مورد مطالعه بر رویکردهای حکمرانی خوب و تاثیر آن در تحولات و مسیر دولت ها خواهیم داشت. ابتدا در خصوص دولت احمدی نژاد

### حکمرانی خوب و گفتمان حاکم بر قوه مجریه در ایران/عناایت - مطلبی

باید گفت، گفتمان عدالت باعث شده این دولت در مسیر مولفه های حکمرانی خوب در بخش زیادی توفیق خوبی کسب نکند. در دولت روحانی با تمرکز بر اقتصاد، توسعه سیاسی و اقتصادی، مولفه های مربوط به این حوزه مورد توجه زیادی قرار گرفته است. به طور نمونه ثبات سیاسی در ۳ سال ابتدایی دولت احمدی نژاد روند بهبود را طی کرد، اما تحولات سال ۸۸ افت شدید شاخص را در سال پایانی دولت نهم رقم زد و به منفی ۱,۵۶ رساند. البته در سال های دولت دوم احمدی نژاد شاخص باز روند بهتری را طی کرد و به رقم منفی ۱,۲ رسید. اما باز هم مسیر کاهشی در مقایسه با سال های ابتدایی دولت احمدی نژاد است.

سال	ثبات سیاسی
1385	-1.0425
1386	-0.9304
1387	-0.9409
1388	-1.5627
1389	-1.6305
1390	-1.4217
1391	-1.3239
1392	-1.2496

یکی از مهم ترین مولفه ها در حکمرانی خوب، کنترل و مبارزه با فساد است. با مقایسه شاخص های ارائه شده از سوی بانک جهانی، گسترش فساد و ناتوانی در کنترل آن در هر دو دولت چشمگیر است. کاهش ۵۰ درصدی در دولت احمدی نژاد و کاهش ۴۰ درصدی توان شاخص کنترل فساد در هر دو دولت یک نمره منفی در تحقق حکمرانی خوب است.



سال	کنترل فساد	سال	کنترل فساد
1385	-0.4836	1393	-0.6192
1386	-0.5483	1394	-0.6045
1387	-0.7754	1395	-0.7113
1388	-0.8393	1396	-0.8117
1389	-0.9471	1397	-0.9589
1390	-0.8728	1398	-1.0479
1391	-0.7907		
1392	-0.6871		

تاثیر نگرش های گفتمانی بر شاخص کیفیت قوانین و مقررات کاملاً عیان است. همانگونه که گفته شد در نگرش تکنوکراتی، تقویت قانون و قانون مداری جایگاه ویژه ای دارد. زیرا کشوری دارای کیفیت قوانین و مقررات بالاتر است که متکی به روح علم محوری و منطبق بر واقعیات نمایانگر کیفیت تنظیم کنندگی است که از اصول اساسی حکمرانی خوب محسوب می شود این شاخص با تنظیم عوامل اختلال را در بازار در ارتباط است، هرچه کیفیت قوانین و مقررات در یک کشور بالاتر باشد، آن کشور می تواند توسعه اقتصادی برتری داشته باشد. (شاه آبادی و مهری تلیابی، ۱۳۹۵، ۱۲)

کیفیت قوانین و مقررات مواردی چون نکات زیر را در بر می گیرد: تنظیم قوانین اختلال زا در بازار مانند کنترل قیمت ها، ایجاد موانع غیر اصولی و دست و پاگیر در صادرات و واردات، محدودیت های زاید در بازار سهام، محدودیت های تأسیس یک بنگاه اقتصادی جدید، مقررات دست و پاگیر برای تبدیل ارز و موارد مشابه. (سامتی و همکاران، ۱۳۹۰، ۱۹۵) مواردی که در سیاست های قانون گذاری ایران بسیار دیده می شود و بخشی از آن هم متاثر از نهادها و سازمان های غیر دولتی است.

شاخص کیفیت قوانین و مقررات هم مانند دیگر شاخص های حکمرانی خوب، وضعیت چندان مساعدی در دولت های نخست آقایان احمدی نژاد و روحانی تجربه نکرده است. براساس آمار ارائه شده این شاخص در دوران دولت نهم هر سال بدتر شده، اما در دولت یازدهم کمی بهبود یافته، هرچند فاصله زیادی تا نمره قابل قبولی دارد.

### حکمرانی خوب و گفتمان حاکم بر قوه مجریه در ایران/عناایت - مطلبی

در این شاخص دولت های آقایان روحانی و احمدی نژاد نمرات بسیار پایینی کسب کرده اند. دولت آقای احمدی نژاد در محدوده منفی ۱,۴ شروع و در سال ۸۸ و پایان دور اول به محدوده ۱,۷ رساند. هر چند در دور دوم کمی شاخص کیفیت قوانین و مقررات بهبود یافت اما به نزدیکی محدوده منفی ۱,۵ بیشتر ارتقا نیافت. آمار بانک جهانی نشان می دهد در دوران ۸ ساله آقای احمدی نژاد شاخص کیفیت قوانین وضعیت چندان خوبی نداشته است. اما با شروع دولت آقای روحانی این شاخص بالاخص در چهار سال نخست مانند شاخص کارایی اثربخشی دولت بهبود قابل توجهی داشته است به گونه ای که در سال ۱۳۹۶ به محدوده منفی ۱,۹ بهبود یافته است. هر چند همین هم در سال های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ دوباره روند نزولی گرفته است.

سال	کیفیت قوانین و مقررات	سال	کیفیت قوانین و مقررات
1385	-1.4633	1393	-1.4579
1386	-1.6169	1394	-1.3115
1387	-1.6318	1395	-1.2293
1388	-1.7201	1396	-1.1987
1389	-1.7087	1397	-1.3761
1390	-1.5206	1398	-1.4231
1391	-1.4251		
1392	-1.4934		

بررسی ارقام منتشر شده از سوی بانک جهانی در چهار مولفه «کارایی اثربخشی دولتی»، «کیفیت قوانین و مقررات»، « ثبات سیاسی» و «کنترل فساد» این الگو در سال های دولت آقای احمدی نژاد (۱۳۸۵-۱۳۹۲) و آقای روحانی (۱۳۹۳-۱۳۹۸) نشان می دهد متغیرهای نام برده شده بر روند رشد اقتصادی جمهوری اسلامی ایران تاثیر مستقیمی داشته اند. به طوری که بهبودی روند این ۴ شاخص در دولت یازدهم و دوازدهم موجب بهبود شاخص رشد اقتصادی در ایران شده است. اما دو شاخص «حق اظهار نظر و پاسخگویی» و «حاکمیت قانون» طی سال های مختلف تغییر چندانی نداشته یا تاثیر جدی ای بر میزان رشد اقتصادی نداشته است. این پژوهش یافته است حکمرانی خوب، رابطه ای مستقیم و تاثیرگذاری بر روند رشد اقتصادی در دوران دولت های آقایان احمدی نژاد و روحانی داشته است.

اینگونه میتوان نتیجه گرفت که دو گفتمان متفاوت در قوه های مجریه جمهوری اسلامی ایران، عملکرد کاملاً متفاوت در تحقق مولفه های حکم رانی خوب ایجاد کرده است. دو رویکرد

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره ۱۹، شماره ۶۵، زمستان ۱۴۰۲

تکنوکراتی و فقرزدایی، در کنار چگونگی عملکرد سیاست های اجرایی هر دولت، چه نتایج متفاوتی در تحقق مولفه های حکمرانی و به تبع آن رشد و توسعه اقتصادی به همراه داشته است.

## حکمرانی خوب و گفتمان حاکم بر قوه مجریه در ایران/عنايت - مطلبی

### منابع

- مقدمی، محمد تقی (۱۳۹۰)، نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موف و نقد آن، معرفت فرهنگی اجتماعی، سال دوم، شماره دوم، ص ۹۱-۱۲۴
- حسینی زاد، سید محمد علی (۱۳۸۳)، نظریه گفتمان و تحلیل سیاسی، فصلنامه علوم سیاسی شماره ۲۸ تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۹)، گفتمان و تحلیل گفتمانی، تهران، گفتمان فرهنگ گفتمان حقیقت، سید صادق (۱۳۸۵)، روش شناسی علوم سیاسی، قم، دانشگاه مفید، ص ۵۳۹-۵۴۰
- سید محمد علی حسینی زاده، اسلام سیاسی در ایران، قم، انتشارات دانشگاه مفید، ۱۳۸۹، ص ۲۹
- سامتی، مرتضی و همکارانش (۱۳۹۰)، تحلیل تأثیر شاخص های حکمرانی خوب بر شاخص توسعه انسانی مطالعه موردی: کشورهای جنوب شرقی آسیا (ASEAN)، پژوهش های رشد و توسعه اقتصادی، شماره ۴، ص ۱۸۳-۲۲۳
- شاه آبادی، ابوالفضل و مهری تلپایی، فریبا (۱۳۹۵)، تأثیر نهاد حکمرانی کشور میزبان بر درآمد گردشگری کشورهای در حال توسعه منتخب، مجله برنامه ریزی و توسعه گردشگری، سال پنجم، شماره ۱۶، ص ۸-۳۰.
- دبیا ناریان و جمع نویسندگان. ۱۳۹۵. توانمندسازی و کاهش فقر. مترجمان: فرزاد پوراصغر سنگاچین، جواد رضوانی. تهران: انتشارات کریمخان زند .
- اتمی، عباس و فرزاد کلاته (۱۳۹۳) دولت در پیرامون و پیرامون در دولت؛ سندروم های درهم تنیدگی اقتصاد، سیاست و اجتماع، فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۱۷ ۳۵-۷
- احمدی نژاد، محمود (۱۳۸۶) گزیده دیدگاه های احمدی نژاد، قم، حوزه مشاوران جوان ریاست جمهوری
- حسینی زاده، سید محمد علی (۱۳۸۶). اسلام سیاسی در ایران. قم: نشر دانشگاه مفید
- ابراهامیان، پروانه (۱۳۸۹). تاریخ ایران مدرن ترجمه محمد ابراهیم فتاحی. تهران: نشر نی
- رحیمی، علیرضا و محمود، کتابی (۱۳۹۳) گفتمان امنیتی دولتهای نهم و دهم به مثابه گفتمان قبض و بسط انقلابی جدید، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۱۷
- شاه آبادی، ابوالفضل و مهری تلپایی، فریبا (۱۳۹۵)، تأثیر نهاد حکمرانی کشور میزبان بر درآمد گردشگری کشورهای در حال توسعه منتخب، مجله برنامه ریزی و توسعه گردشگری، سال پنجم، شماره ۱۶، ص ۸-۳۰.
- طالبی، محمد علی؛ حاجی یوسفی و حشمت زاده، محمد باقر (۱۳۹۶)، بررسی موانع تحقق حکمرانی خوب در فرهنگ سیاسی ایران، جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال هشتم شماره اول ص ۱-۲۴.
- ذوالفقاری، مهدی و دینی وند، حسین (۱۳۹۷). «جایگاه دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی ایران دولت های احمدی نژاد و روحانی»، فصلنامه پژوهش های روابط بین الملل، دوره هشتم شماره اول، صص ۹۴-۶۷

### فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره ۱۹، شماره ۶۵، زمستان ۱۴۰۲

زایر کعبه، رحیم؛ قریشی، فردین و علیزاده اقدم، محمد باقر (۱۳۹۹)، تحلیل زمینه‌های جامعه‌شناختی تحول گفتمان‌های عدالت در دولت‌های خاتمی، احمدی‌نژاد و روحانی، فصلنامه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، سال نهم - شماره ۲ ص ۱۲۷-۱۴۹

بلوکی، صالح؛ خوش خطی، مهدی؛ کشاورز، بهمن و جعفری، فرشید (۱۳۹۷)، تبیین سیاست خارجی دولت اعتدال از منظر گفتمان، پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی زمستان ۱۳۹۷ - شماره ۳۷ ص ۳۷-۵۸

Leftwich, Adrian (1993). Governance, democracy and development in the Third World. *Third World Quarterly* 14(3): 605- 624.p 609-611

World Bank (1992). Governance and development. Washington, D.C.: World Bank Publication.

Ernst, Dieter & Hart, David. M. (2007). Governing the Global Knowledge Economy: Mind the Gap! Atlanta Conference on Science, Technology and Innovation Policy, Georgia Tech.